

با نگاهی به گذشته می‌توان گفت که پایان اشغال لبنان توسط اسرائیل، در بدترین زمان برای باراک رخ داد. او متوجه شد نمی‌تواند با سوری‌ها به توافق برسد، بنابراین تصمیم گرفت توافق با فلسطینی‌ها را تسریع بخشد؛ اما فلسطینی‌های زیادی عقب‌نشینی از لبنان را به عنوان اثبات این امر می‌دانستند که مبارزه و تاکتیک‌های چریکی می‌تواند بزرگ‌ترین نیروهای نظامی و اطلاعاتی خاورمیانه را شکست دهد و آن‌ها احتمال نتیجه دادن این روش‌ها را در منطقه خود مدنظر قرار دادند. (رونن برگمن)

روزی که اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۰۰ میلادی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کردند، من همراه با عماد مغنیه در اتاق عملیات حضور داشتم. شرایط بسیار عجیبی بود. شبکه‌های تلویزیونی به صورت زنده فرار رژیم صهیونیستی را پخش می‌کردند. یادم هست یک افسر اسرائیلی از شدت شادی به زمین افتاده بود و فریاد می‌کشید: «بالاخره از لبنان خارج شدیم!» عماد مغنیه با رزمندگان حزب‌الله که در جبهه‌های مختلف حضور داشتند در ارتباط بود. مدتی بعد وقتی با او درباره عقب‌نشینی آن روز اسرائیلی‌ها صحبت می‌کردم، او گفت: «تا من زنده هستم هرگز به اسرائیل اجازه نخواهیم داد که به لبنان تجاوز کند.» (راوی محفوظ)

بعد از پیروزی سال ۲۰۰۰، جمعی از اندیشمندان ایرانی بحثی را مطرح کردند که حزب‌الله نباید حوزه فعالیت خود را در لبنان محصور کند بلکه باید از ظرفیت حزب‌الله در تمام جهان اسلام و عرب استفاده و این فرهنگ گسترش داده شود. آن‌ها متنی پیرامون این موضوع تهیه کردند. سپس با انجام ترتیبات امنیتی به حضور سیدحسن نصرالله رسیدند. آن روز حاج رضوان نیز حضور داشت. وقتی آن‌ها وارد شدند، او قصد ترک آن‌جا را کرد؛ چرا که این موضوع را در حیطه رهبری حزب‌الله می‌دانست. در لحظه‌ای که می‌خواست از اتاق خارج شود، سید به او گفت: «بمان! الان ما به تو نیاز داریم.» پس از شروع جلسه، سید گفت: «اجازه بدهید تا نظرات حاج رضوان را در مورد این موضوع بشنویم.» حاج رضوان یک ساعت و نیم درباره این که با چه طرح‌هایی و چگونه می‌توان تفکر حزب‌الله را به مناطق دیگر گسترش داد، صحبت کرد. او همانند یک جامعه‌شناس و تحلیل‌گر زنده سیاسی و فرهنگی، به تشریح مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای پرداخت؛ به گونه‌ای که تعجب و تحسین حاضران را برانگیخت. (سیدابراهیم مرتضی)



سست تر از تار عنکبوت

تلاش کرد مکان عماد مغنیه فرمانده نیروهای نظامی حزب‌الله و نفر اول در لیست افراد تحت تعقیب اسرائیل را شناسایی کند. زیرا او طی سفر به خطوط مواجهه با اسرائیل در جنوب لبنان، می‌خواست مطلع شود آیا باراک می‌خواهد به قول خود مبنی بر خروج نیروهای اسرائیلی عمل کند یا خیر تا نیروهای شبه‌نظامی خود را برای روز بعد آماده کند.

آن‌ها برای ترور او برنامه‌ریزی کردند، اما باراک که در ۲۲ مه برای مشورت ضروری به مرز شمالی آمد و با مقامات ارشد ملاقات کرد، دستور داد تجسس اطلاعاتی در مورد عماد مغنیه صورت گیرد ولی به او ضربه نزنند. اولویت اول باراک، حصول اطمینان از این امر بود که عقب‌نشینی بدون تلفات انجام شود. او نگران بود که ترور مغنیه، حزب‌الله را تحریک کند تا اسرائیل را بمباران کنند و به اهداف اسرائیلی خارج از اسرائیل حمله کند؛ امری که موجب واکنش اسرائیل می‌شد و این وقایع، عقب‌نشینی را غیرممکن می‌کرد.

حداقل در کوتاه‌مدت، نظر باراک درست بود. او یک روز پس از دیدار در مرز شمالی، دستور عقب‌نشینی فوری IDF از لبنان را صادر کرد. کل عقب‌نشینی بدون تلفات انجام شد. نصرالله این عقب‌نشینی را به عنوان پیروزی کامل نیروهایش جشن گرفت و اسرائیلی‌ها را افراد ترسوئی توصیف کرد که از ارتش مغنیه می‌گریزند. او با صدای بلند گفت: «اسرائیل سست‌تر از تار عنکبوت است. روحیه شکست‌پذیری امری رایج در جامعه اسرائیل است. یهودیان سرمایه‌دار هستند، نه افرادی که بتوانند فداکاری کنند.»

[در ماه مه ۱۹۹۹ «یهود باراک» که با شعار صلح و بازگرداندن سربازان اسرائیلی از لبنان، وارد کارزار انتخابات شده بود، رقیب خود «تانیاهو» را شکست داد.] باراک یکی از نظامیان مورد احترام IDF و هوادار و جانشین اسحاق رابین به شمار می‌رفت که قول داده بود ارتش اسرائیل را از لبنان خارج کند و صلح به ارمغان بیاورد. [او در نظر داشت این مسیر را در چارچوب قرارداد صلحی با سوری به انجام برساند که به شکست و فرار تعبیر نشود.]

۲۶ مارس ۲۰۰۰، کلیتون که به عنوان نماینده اسرائیل عمل می‌کرد، با حافظ اسد رئیس‌جمهور سوری در ژنو ملاقات کرد. کلیتون به اسد گفت باراک مایل است در ازای صلح، از بلندی‌های جولان، به جز بخش کوچکی از مرز، عقب‌نشینی کند. اسد در حالی به این ملاقات آمده بود که از خستگی و درد ناشی از مراحل اولیه بیماری [منجر به مرگش] رنج می‌برد و بیش از قبل در مورد عقب‌نشینی از هر سانس متری سرسخت بود. این مواجهه تنها چند دقیقه پس از شروع بحث در مورد موضوع مورد مناقشه، بی نتیجه پایان یافت.

باراک مجبور بود بدون هیچ توافقی با سوری به لبنان به قول خود عمل کند و نیروهای اسرائیل را از لبنان خارج کند. هرچند به منظور جلوگیری از بهره‌برداری حزب‌الله از این عقب‌نشینی و کشتن تعداد زیادی از نیروهای IDF، باید این اقدام در طول شب انجام می‌شد و اصل غافلگیری مورد استفاده قرار می‌گرفت. اندکی قبل از خروج نیروها از لبنان، آمان